

■ نظم وانضباط

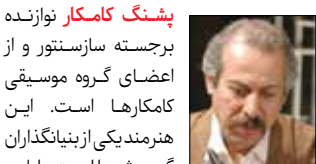


حسن ناهید استاد پیشکسوت ساز نی است و حدوداً سال ۴۳ فعالیت خود را با گروه موسیقی پاپور آغاز کرد و تا آخرین روزهایی که این گروه برپا و

استاد فرامرز پاپور سرپرست گروه در قید حیات بود، از آن دوستان هنرمند جدا نشد. به گفته این نوازنده پیشکسوت: «اعضای گروه پاپور از ابتدای تشکیل آن تا پایان فعالیتش ثابت بودند و هیچ گاه تغییر نکردند، دوستان هنرمندی همچون آقایان رحمت‌الله بدیعی، حسن منوچهری، حسین فرهادپور، حسین تهرانی، هوشنگ ظریف و همسرشان خانم پروین صالح.» حسن ناهید رمز ماندگاری و پایداری این گروه را خود استاد پاپور عنوان می‌کند و در این باره افزود: «به اعتقاد من آن زمان تنها دودوزیسین بودند که دیسیپلینی خاص در فعالیت‌های خود داشتند، استادان حسین دهلوی و فرامرز پاپور که برای آنها زمان، نظم وانضباط اهمیت بسیاری داشت. من به شخصه طی بیش از ۳۰ سال همکاری و حضور در گروه پاپور یاد ندارم خودم و دیگر اعضای آن ۲۰ دقیقه تأخیر در آن سال‌ها داشته باشیم. البته اعضای گروه هم با اخلاق استاد پاپور آشنا بودند. هرگاه بر سر تمرین حاضر می‌شدیم دقت بسیاری داشت. یک مداد و پاک‌کن مقابل نت‌های ما می‌گذاشت و قسمت‌های مهمی که نیاز به توجه بیشتر نوازنده بود تأکید می‌کرد تصویر عینک را به دور آن بکشیم و همین حساسیت و عشق و علاقه موجب شده بود اعضای آن هیچ گاه تغییر نکنند و بازم تأکید می‌کنم هیچ کس نظیر پاپور و دهلوی نخواهد بود.»

به گفته این هنرمند شناخته شده: جوان‌های امروز حال و هوای دیگری دارند و کارهایشان چندان مورد پسند من نیست مگر تعدادی انگشت شمار که محضر استادان قدیم را درک کرده‌اند البته با وجود تغییر زمانه خیلی ناامید نیستم آن‌شاءالله شاهد اتفاق‌های خوبی در عرصه موسیقی ایران باشیم.» ناهید در یک برهه زمانی در گروه عارف با پرویز مشکاتیان همکاری داشت و آخرین کنسرتش با زنده یاد مشکاتیان در سالن وزارت کشور بود. او در این باره گفت: «اعضای این گروه تقریباً ثابت نبود و بعد فوت آقای مشکاتیان این گروه از هم پاشیده شد. به عقیده من، یک گروه موسیقی خوب ابتدا نیاز به یک سرپرست خوب دارد تا بدیرستی مدیریت شود مانند آقایان لطفی، مشکاتیان و پاپور که هرگز ماندنی نداشت.»

■ حسادت و رقابت ناهنگ



بشنگ کامکار نوازنده برجسته ساز سنتور و از اعضای گروه موسیقی کامکارها است. این هنرمند یکی از بنیانگذاران گروه شیدا است و اولین تکنوازی خود را با این گروه به‌همراه محمدرضا شجریان و محمدرضا لطفی با نام «به یاد عارف» ارائه کرد و بعد از تعطیلی این گروه سرپرستی گروه را به‌عهده گرفت و ۲ آلبوم با عنوان‌های صدیق تعریف به اسم فراق و گلگشت روانه بازار کرد. این هنرمند مدتی هم با گروه دستان همکاری داشت تا اینکه گروه کامکارها به‌طور رسمی شکل گرفت. پیشگ کامکار انسجام یک

پاشیده شد بخشی از آن مسائل مالی بود. سؤال این است چرا باید شرایط به‌گونه‌ای باشد که من از پرویز مشکاتیان یا از برادر بزرگم هوشنگ یا از استاد شجریان حقوق بگیرم! چرا نباید ارگان‌های دولتی نسبت به تأمین معاش هنرمندان تدبیر و برنامه‌ریزی داشته باشند! در دنیا ای سرمایه‌داری برای هر چیزی سرمایه‌گذاری می‌شود اما برای هنر و بویژه موسیقی سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد. به گفته این نوازنده برجسته موسیقی، «یکی از دلایل جاودانگی گروه‌های موسیقی همچون عارف و شیدا این بود که هیچ گاه نگاه مادی وجود نداشت و تنها فکرمان این بود که موسیقی در حال نابودی است و باید به تولید موسیقی بپردازیم تا آنجا که با همراهی اعضای گروه نوار کاست‌هایمان را بر سر چهارراه‌ها یا در خیابان‌های شهر می‌فروختیم. اما در دوره‌های بعد شرایط به‌گونه‌ای دیگر تغییر کرد و سازمان‌هایی چون رادیو، تلویزیون و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر سر کار آمدند و شرایط مالی کمی بهتر شد.» بیژن کامکار بر این نظر است: «اگر گروه موسیقی کنار گذاشته شد لزوماً به‌دلایلی که اشاره شد نخواهد بود چرا که برخی گروه‌ها تنها برای یک اجرا دوهرم جمع می‌شوند و خواننده یا آهنگساز سرمایه‌گذار این گروه‌ها هستند. به‌طورمثال با گروهی که آقای جلال ذوالفنون تشکیل داد تنها دو کار اجرا شد «اندک اندک جمع مستان می‌رسند» و «آتش» در نیستان» با صدای شهرام ناظری. او درباره منسجم نبودن گروه‌های موسیقی در یکی - دو دهه اخیر گفت: «در این سال‌ها گروه‌های موسیقی بسیاری شکل گرفت حتی خود من در این ۴-۳ سال اخیر با گروه‌های مختلفی همکاری داشتم اما پایدار و محکم بودن این گروه نیازمند پشتوانه مالی است. اما واقعیت این است که عدم حمایت و تکنولوژی هیچ‌گاه نتوانست پشت ما را بر زمین بزند و مانع کارماند. البته شرایط اقتصادی امروز به‌گونه‌ای شده است که نمی‌توان به تولیدات موسیقی چندان امیدوار بود اولاً که خود من اگر بخواهم مجانی برای مردم آلبوم تولید کنم دست‌کم باید ۶۰-۵۰ میلیون تومان هزینه کنم تا این قطعات به سی دی تبدیل شود و به دست مردم برسد و متأسفانه به‌خیل عده قانون یکی رایت کسی جرأت تولید آلبوم ندارد و موسیقی در حال انقراض است و تنها باید به کنسرت‌های موسیقی دلخوش کرد که

آن هم مشکلات خود را دارد. امروزه موسیقی‌های مصرقی چنان حمایت می‌شوند و قدرت گرفته‌اند که موسیقی‌هایی همچون مقامی، سنتی، فولکلور را خفه کرده است در صورتی که ای کاش می‌دانستیم همه نوع موسیقی را باید گوش کرد و همانقدر که جوان‌ها از پاپ حمایت می‌کنند و همیشه سالن‌هایشان بر است، مخاطبان موسیقی سنتی هم این حمایت‌ها را از ما داشته باشند.»

■ همدلی و همبستگی



نرگس تجدد از خوانندگان موسیقی ایرانی یکی از دلایل مهم منسجم و پایدار بودن گروه‌های موسیقی را همدلی عنوان کرد. خانم تجدد سال‌ها تجربه همکاری موفق با گروه‌های موسیقی چون کامکارها و گروه تنبور شمس را داشته و در کنار انتشار آلبوم‌های موسیقی، کنسرت‌های بسیاری را در داخل و بی‌خارج از ایران با این گروه‌ها همراهی کرده است. او در این باره بیان کرد: «ضرورم در چاووش به روزهای پایانی این گروه برمی‌گردد، شاید ۲۰ روز از رفتن به این گروه و بی‌توجهی مسئولان روبرو شدیم و بی‌شک یکی از دلایلی که گروه‌های مهم موسیقی از هم

گروه‌های موسیقی که در این یکی، دوده‌ا‌خیر شکل گرفته است، گفت: «حدود ۹۹ درصد گروه‌هایی که تشکیل می‌شوند از افراد تحصیلکرده در حوزه موسیقی هستند و از کودکی روی ساز و موسیقی خود کار کرده‌اند اما شرایط امروز، کار را کمی سخت‌تر کرده و بودن یا نبودن موسیقی همچنان سؤال است. من دلم می‌سوزد برای جوانانی که با زحمت کار می‌کنند اما هیچ حمایتی نمی‌شوند. نکته دیگر اینکه نگاه مادی در هنر بویژه موسیقی رخنه کرده است.

امروزه اگر خواننده‌ای بخواهد اثری بخواند کمتر پیش می‌آید از سوی آهنگساز پیشنهاد شود بلکه یا باید اسپانسر داشته باشد یا در یک استودیو به هزینه خود ضبط کند».

■ عشق وعلاقه



حمید متبسم در گروه‌های موسیقی چون چاووش، عارف و دستان همکاری داشته و گروه مضراب (از هنرجویان) و پردیس (ارکستر بین‌الملل) را هم تأسیس کرده است. این نوازنده تار و سه تار سال ۱۳۶۰ به گروه چاووش می‌رود و همزمان در گروه عارف و مجموعه کانون چاووش فعالیت داشت. او در این

بررسی علت ماندگاری و پایدار بودن گروه‌های مختلف موسیقی ایران در گفت‌وگو با هنرمندان پیشکسوت و جوان موسیقی

در حلقه یاران



از راست بیژن کامکار (دف)، محمدرضا لطفی (تار)، عبدالحق افشار نی (نی)، پیشگ کامکار (سنتور)، درویش رضا منظمی (کمانچه)، زیداله طبعی (تار)، محمدرضا شجریان و هادی منتظری (کمانچه)، باغ فردوس گروه شیدا

■ ننداسیجانی خبرنگار

مروری بر آثار موسیقی ایران چه در سه - چهار دهه گذشته و حتی قبل تر از آن بیانگر تولیدات هدفمندی است که برخی از آنها با همبستگی یک تیم یا گروه ساخته شده است. این گروه‌ها آرمان‌های مشترکی داشتند و براساس همان اهداف توانستند در حوزه موسیقی تأثیر بگذارند. درواقع این آرمان‌ها برخاسته از انسجام و همبستگی اعضای هر یک از گروه‌ها بوده است. اما متأسفانه در این یکی - دو دهه اخیر توجه به تشکیل یک گروه موسیقی سنتی پایدار و از همه مهتر حفظ این گروه‌ها کمتر شده است. شاید این امر دلایل مختلفی داشته باشد اما بی‌تردید همدلی، احترام، رقابت سالم، عشق و علاقه ... که رمز ماندگاری یک گروه هنری بوده و هست متأسفانه در نسل‌های امروز کم‌تر دیده می‌شود. در گفت‌وگو با برخی از اهالی هنر که هر یک در گروه‌های موفق و پایدار موسیقی همکاری داشته‌اند این موضوع را به‌اشتراک گذاشته‌ایم که در ادامه‌ی می‌خوانید.

انجامید در رابطه با گروه‌هایی چون عارف و شیدا صحبت‌های بسیاری داشتیم، گروه‌هایی که مانند یک خانواده در کنار هم با گرفتند و حاصل آن آثار درخشانی بود که همچنان در تاریخ موسیقی ایران به یادگار ثبت شده است. تمامی آثار که در این گروه‌ها ساخته شده برخاسته از حس وعشقی بود که به موسیقی داشتند و این احساس همان وجهی است که در کار آهنگسازی این چنین محسوس شد، «به اعتقاد من علت پایدار بودن گروه‌های موسیقی سنتی همچون عارف، شیدا و... ابتدا عشق وعلاقه اعضای آن به موسیقی بود که همچون ریسمانی محکم این موسیقی را حفظ کرده بودند و دیگر هدفمند بودن این گروه‌ها است. درواقع خودنو و عشق به موسیقی ایرانی موجب شده بود مادیات و جنبه‌های اقتصادی را در ابتدا ای کار چندان مورد توجه قرار نگیرد و در اولویت‌های بعدی قرار داشت اما غالباً اگر کارهای آن به شکست منجر می‌شد جنبه‌های هنری آن کمتر مورد توجه بود و جنبه‌های اقتصادی آن بیشتر مطرح بود.»

■ حمایت مالی ودولتی

حسین بهروز نیاز آهنگسازان جوان موسیقی ایران نوازندگان سازربط است‌از ۱۷سالگی فعالیت موسیقایی خود را به‌صورت حرفه‌ای آغاز کرد و تا به امروز با گروه‌های مختلف موسیقی ایران، نزدیک به ۲۰۰۰ اجرا داشته است. این آهنگساز در این باره بیان کرد: سال ۵۸ اولین گروه موسیقی‌ام را تأسیس کردم، گروهی به‌نام «خالقی» و این انتخاب برخاسته از نام روح الله خالقی موسیقیدان و آهنگساز بنام و بزرگ ایران و مؤسس هنرستان موسیقی ملی ایران است. اعضای این گروه از دوستانی بودند که زمانی در هنرستان موسیقی کنار هم تحصیل می‌کردیم، بنابراین وقتی به مرکزحفظ و اشاعه موسیقی ایران آمدم، این آثاریساری را ضبط واجراکردیم. دردیگر گروه‌های موسیقی چون فارابی، درویش و مولانا نیز به‌عنوان نوازنده حضور داشته‌و این گروه‌ها هم در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران فعالیت داشتند.

■ پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۹
 ■ سال بیست و ششم
 ■ شماره ۷۴۸۹

سرپرستی گروه فارابی برعهده آقای محمد علی کیانی‌نژاد بود. علاوه برآن با گروه‌هایی همچون «آوا» و «عارف» هم همکاری داشتم. گروه دیگری که فعالیت‌هایم کردم «دستان» نام داشت. اعضای این گروه که همه از هنرمندان شناخته شده و متعهد به موسیقی هستند تأکید داشتند باید روی پای خود بایستند و کار کنند و بدون حمایت‌های دولتی و با هزینه خود این اعضا، کنسرت‌های بسیاری در شهرها و کشورها مختلف دنیا برگزار شد. البته که حمایت‌های دولتی و اسپانسر ضرورت هنرمنندو دلگرمی آنها است اما متأسفانه به این موضوع کمتر توجه می‌شود. آخرین گروهی که را هاندازی کردم «بربطیان» نام داشت که فعالیت آن سال ۹۷ و زمانی که به ایران بازگشتم آغاز شد.

■ دانش، آگاهی و تجربه

علیرضا فریدون‌پور از خوانندگان موسیقی سنتی ایرانی است که از سال ۱۳۷۰ با همکاری گروه‌های مختلف آلبوم‌ها و کنسرت‌های فراوانی را اجرا کرده است. او

سال ۷۷ توسط یکی از دوستانش به استاد لطفی معرفی شد. فریدون‌پور می‌گوید: «در آن روز آشنایی قطعی برای استاد خولدم و محمدرضا لطفی با من تارنوازی خود، من را همراهی کردند و بعد از آن از من خواست بر سر تمرین‌های گروه هموزان شیدا حاضر شوم و درواقع اولین تمرین‌ها همان سال شروع شد.» فریدون پور علت منسجم بودن گروه موسیقی چون «شیدا» را نظم و انضباط آن عنوان کرد و گفت: «استاد لطفی شخصیت کاریزماتیک داشت و وظایف تک تک افراد گروه را مشخص می‌کرد و برنامه‌های مدونی داشت. در واقع اعتقاد استاد این بود که همه ما در مقابل هنر مسئولیت وظیفه داریم. البته این نظم و همبستگی در برهه‌های مختلف تاریخ موسیقی ما وجود داشت. مانند دوره‌ی استادان بزرگی همچون مرتضی‌خان محجوبی، رهی معیری و بنان یا ادیب خوانساری یا جلیل شهنار، حسن کسایی و تاج اصفهانی و همچنین بیژن ترقی و پرویز یاحقی که موجب خلق آثار بسیار ارزنده و ماندگار در موسیقی شد. من بر این نظرم حضور افراد تحصیلکرده و آگاه و همچنین مدیر و با تجربه و از همه مهم تر همدل بودن از ویژگی‌های مهم حفظ وتشکیل یک گروه موسیقی است. اما امروزه شرایط کمی سخت‌تر شده و سرگرمی‌های امروزی موسیقی را تحت الشعاع قرار داده است و علاوه برآن حمایت مالی صورت نمی‌گیرد.»

■ احترام و انضباط



مازیار شاهی نوازنده تار و از آهنگسازان جوان موسیقی ایران است. این هنرمند، جوان‌ترین نوازنده دوگروه عارف و شیدا بود و از سال ۸۵ تا ۹۰ هم در گروه هموزان شیدابه سرپرستی محمدرضالطفی همکاری داشت و بر این نظر است نام و فعالیت گروه‌های عارف و شیدا سالیان سال ماندگار و فراموش نشدنی است. شاهی درباره دلیل انسجام گروه‌های موفق موسیقی گفت: به عقیده من مهم‌ترین دلیل انسجام یک گروه، اعضا و سرپرست آن است مانند گروه موسیقی پاپور که اعضای آن هیچ گاه تغییر نکردند و از قبل از انقلاب تا آخرین روز فعالیت این گروه ثابت بودند اما اعضای گروه‌هایی همچون عارف و شیدا همیشه در

حال تغییر و حضور یک نوازنده جدید بود حتی در گروه هموزان شیدا هم این تغییرات دیده می‌شد اما خود گروه متعهد و منسجم بود چون استاد محمد رضا لطفی در این ثابت بود. به یاد دارم یک بار استاد هوشنگ ابتهاج بر سر تمرین گروه شیدا آمد بود و از خاطرات گروه پاپور تعریف می‌کرد. هوشنگ ابتهاج می‌گفت: «یک روز بر سر تمرین گروه پاپور رفته بودم و اعضای گروه در حال اجرای قطعه‌ای بودند ناگهان فرامرز پاپور رو به من گوشه‌ای نشست و گفت: می‌تونم خواهش کنم چند لحظه‌ای بیرون تشریف داشته باشی من با تعجب از محل تمرین خارج شدم اما به‌خاطر کنجکاوی‌ام خیلی دور نشدم و شنیدم فرامرز پاپور به اعضای گروه می‌گفت آقای شهنار باید این فراز را این گونه می‌نواختند و آقای بهاری شما این نت را فراموش کرده‌اید و چند نکته دیگر. بعد از چند دقیقه کوتاه آقای پاپور به‌دنبال من آمد و به محل تمرین رفتم و آن زمان بود که متوجه شدم راز ماندگاری این گروه چیست! آن‌ها این تعداد هنرمندان تراز اول و برجسته موسیقی کشور با نهاییات احترام با یکدیگر صحبت می‌کردند و آقای پاپور در حضور دیگران کوچکترین نکات و نقطه ضعیفی را بیان نمی‌کرد تا مگر خبر خدایی نکرده در نوازنده‌ای بشکند، مازیار شاهی زمانی که به گروه عارف پیوست این گروه بعد از ۱۳ سال با همان ترکیب اولیه وثابت خود در کنسرتی به‌نام «لحظه دیدار» به خوانندگی شهرام ناظری می‌رود و این صحنه رفت: البته به غیر از نوازندگان موسیقی بیژن، درویش و شیدا ارکست کامکار، جمشید عدلیبی و... و یک تعداد نوازنده جوان تر همچون این هنرمند همکاری داشتند اما این کنسرت هیچ‌گاه به اجرای دوهرم رسید و با هم پاشیده شد. او در ادامه افزود: «سال ۸۵ به دعوت آقای لطفی به گروه هموزان شیدا پیوستم. تمام اعضای این گروه از شاگردان آقای لطفی بودند مانند گروه قدیمی اش که با شاگردان خود فعالیت داشت. درواقع تفاوت گروه عارف و شیدا در همین است، در گروه عارف که پرویز مشکاتیان سرپرست آن بودند بیشتر منوهره‌ای‌ها و همکاری‌انسان حضور داشتند.» او در ادامه گفت: «محمدرضا لطفی انگیزه بسیار عییبی داشت و همیشه می‌گفت اگر بارها و بارها اعضای گروه بروند و تغییر کنند بازم گروه را می‌سازم و تا آخرین لحظات عمر گمرانامیه خود داشته‌و این گروه‌ها هم در مرکز نگار گذاشت و هدف خود را فراموش نکرد.»

مروری بر گروه‌های موفق موسیقی سنتی ایران

نام‌های ماندگار

گروه فرهنگی: فعالیت گروه‌های موسیقی سنتی ایران به پیش از انقلاب برمی‌گردد. اغلب این گروه‌ها دارای سرپرست بودند که با انتخاب یک هنرمند با تجربه و دارای مدیریت اجرایی اداره می‌شد اما عنوان این گروه‌ها یا براساس ارادت شخصی و ادای احترام به یکی از استادان زمانه خود انتخاب می‌شد یا نام فامیلی و حتی علاقه و گرایش به نامی خاص از ادبا و شاعران بوده است. اما هدف و هسته اصلی این گروه‌ها ارائه و اجرای موسیقی اصیل ایرانی بود که هر کدام از آنها به نحو شایسته از عهده این کارها برآمدند و آثار ارزشمندی را تولید و منتشر کرده‌اند و فعالیت هر یک از این گروه‌ها با اعضای شناخته شده آن هر کدام برگزی از تاریخ موسیقی ایران است. در زیر به برخی از گروه‌های موفق موسیقی اشاره شده است که در ادامه می‌خوانید:

«**پاپور**» پیش از انقلاب به گروه سازهای ملی نامیده می‌شود که سرپرست آن فرامرز پاپور بود. این گروه با نوازندگانی از اداره فرهنگ و هنر ایران چون هوشنگ ظریف، رحمت‌الله بدیعی، حسن ناهید، حسین تهرانی، بیرون صالح و... سال ۱۳۴۳ به‌نام ارکستر سازهای ملی ایرانی بنیانگذاری شده بود و فعالیت‌های هنری چشمگیری داشت. پس از انقلاب با مهاجرت بعضی از نوازندگان آن به خارج از کشور این گروه با تغییراتی در نوازندگان آن و با نام گروه پاپور ادامه پیدا کرد. گروه پاپور با خوانندگانی همچون نادر گلچین، عبدالوهاب شهیدی و محمدرضا شجریان همکاری کرده است.

«**استادان**» یک گروه موسیقی سنتی ایرانی بود که با سرپرستی فرامرز پاپور فعالیت می‌کرد، استادان موسیقی در این گروه گرد هم آمده بودند. این گروه باخوانندگان مختلفی همچون محمدرضا شجریان، شهرام ناظری و دیگران همکاری کرد.

«**چاووش**» یک انجمن موسیقی بود که در دهه ۱۳۵۰ با تلاش حسن کامکار و محمدرضا لطفی و حمایت‌های معنوی هوشنگ ابتهاج شکل گرفت و مجموعه آلبوم‌های چاووش که شامل ۱۲ آلبوم موسیقی بوده حاصل این گروه است. آثار کانون چاووش هم از جایگاه اجتماعی - سیاسی مهمی بهره‌مند هستند و هم از دیدگاه موسیقایی تحول و پیشرفت مهمی در زمینه موسیقی سنتی ایران به وجود آوردند. کانون چاووش در سال ۱۳۶۳ تعطیل شد و با جدا شدن بسیاری از هنرمندان آن، رو به افول گذاشت. آخرین کنسرت تعدادی از اعضای کانون در سال ۱۳۶۷ با آهنگسازی حسین علیزاده و آواز شهرام ناظری در تالار وحدت روی صحنه رفت. بخش عمده‌ای از گروه چاووش کامکارها در گروه شیدا بودند که با این اعضا و دیگر اختلافات و مشکلات، کانون چاووش منحل شد.

«**شیدا**» گروه موسیقی سنتی است که سال ۱۳۵۱ توسط محمدرضا لطفی و با همکاری درویش رضامنظمی، حسین عمومی و ناصر فرهنگ‌فر در دانشگاه تهران پایه‌گذاری شد. فعالیت رسمی این گروه در سال ۱۳۵۳ با همکاری هوشنگ ابتهاج در رادیو ایران آغاز شد. اولین برنامه گروه شیدا که از رادیو پخش شد بازسازی آثار قدما بود و تخصصی اجرای گروه نیز در جشن هنر سال ۱۳۵۴ با اجرای دستگاه نوا همراه بود.

«**هموزان شیدا**» هم توسط محمدرضا لطفی پایه‌گذاری شد. لطفی در گذشته سرپرست و بنیانگذار گروه شیدا بود و پس از بازگشت به ایران گروه‌های سه‌گانه سازسازی شیدا، هموزان شیدا و بانوان شیدا را تأسیس کرد. از جمله آثار این گروه می‌توان به آلبوم وطنم ایران با صدای محمد معتمدی اشاره کرد. در اوایل سال ۱۳۹۳ لطفی، بنیانگذار، آهنگساز و سرپرست این گروه موسیقی درگذشت و فعالیت آن برای همیشه متوقف شد.

«**عارف**» گروه موسیقی سنتی است که سال ۱۳۵۶ توسط پرویز مشکاتیان تشکیل شد. مشکاتیان در همان سال‌ها پس از استعفا از رادیو، مؤسسه چاووش را با همراهی گروه عارف و شیدا تشکیل داد. این گروه با وجود عمر کوتاهش یکی از تأثیرگذارترین گروه‌های تاریخ موسیقی است.

«**گروه تنبور شمس**» گروه موسیقی سنتی ایرانی با سرپرستی کیخسرو پورناظری است و با توجه به اینکه ساز تنبور، ساز اصلی این گروه بود، این گروه با نام گروه تنبور شمس معروف است. گروه شمس در سال ۱۳۵۹ تأسیس شد و با خوانندگانی چون شهرام ناظری و نوازندگانی همچون سید خلیل عالی‌نژاد، گل نظر عزیز و علی اکبر مرادی، ته‌مورس پورناظری و سهراب پورناظری فعالیت داشته است. اواخر این گروه اسم خود را گروه شمس گذاشت چرا که تنها از تنبور استفاده نمی‌کرد و با حضور پیروزان کیخسرو پورناظری تغییرات زیادی در گروه و از جمله سازندگی داده شد.

«**دستان**» گروه موسیقی سنتی ایرانی است که در سال ۱۳۷۰ شروع به فعالیت کرد و هرگز سرپرستی نداشته است. دستان از موفق‌ترین گروه‌های موسیقی ایرانی در دو دهه اخیر است. هسته اولیه این گروه، هنرمندانی چون پشنگ و بیژن کامکار، حمید متبسم، کیهان کلهر، محمدعلی کیانی‌نژاد و مرتضی اعیان بودند و آقای کیانی‌نژاد از اعضا وسخنگوی گروه بود.

«یاران» گروه موسیقی بانوان است به سرپرستی افلیا پروتو که در اواخر دهه هفتاد تشکیل شد و این گروه به اتفاق خاطره پروانه (خواننده و ردیف‌دان موسیقی سنتی ایرانی) تأسیس شد و کنسرت‌های متعددی را برای بانوان به صحنه برد.

«**فارابی**» گروه موسیقی سنتی بود که به سرپرستی محمد علی کیانی‌نژاد در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران تشکیل شد. آلبوم انتظار به خوانندگی محمدرضا شجریان و آهنگسازی یژان از آثار این گروه است.

«**آوا**» از دیگر گروه‌های موسیقی سنتی بود که درایوش پیرنیکان در کنار محمد رضا شجریان پس از انقلاب تأسیس کرد و با این گروه کنسرت‌های بسیاری در داخل و خارج کشور برگزار شد.

«**شهنار**» گروهی بود شامل خوانندگان و نوازندگان ایرانی که در زمینه موسیقی سنتی فعال هستند. بنیانگذار این گروه، محمدرضا شجریان بود که در سال ۱۳۸۷ آن را تشکیل داد. گروه شهنار متشکل از نوازندگان جوان است. مجید درخشانی سرپرستی نوازندگان را برعهده دارد. یکی از ویژگی‌های گروه شهنار در این است که از سازهای ابداعی محمدرضا شجریان در کنسرت‌های این گروه استفاده می‌شود. عنوان این گروه از نام جلیل شهنار گرفته شده است. «شهنازی» هم در سال ۱۳۸۰ توسط درایوش پیرنیکان تشکیل شد و نام این گروه از نام استاد علی اکبر شهنازی گرفته شده است. در همان سال نخست کنسرت‌های رسمی این خانواده با نام «گروه کامکارها» در اوایل انقلاب و در مجموعه آزادی و تالار وحدت اجرا شد. مدیریت هنری گروه کامکارها بر عهده «هوشنگ کامکار» است.

«**مولانا**» از گروه‌های قدیمی موسیقی سنتی ایران است که تقریباً ۴۲ سال از فعالیت این گروه می‌گذرد. مؤسس و سرپرست این گروه محمد جلیل عدلیبی است که تاکنون کنسرت‌های بسیاری با همراهی این گروه برگزار کرده است. «مولوی» یکی دیگر از گروه‌های موسیقی است که به خوانندگی شهرام ناظری کنسرت‌های بسیاری در داخل و خارج از ایران برگزار کرده است.

«**هم‌آواییان**» گروه موسیقی‌ای است که در سال ۱۳۶۸ توسط حسین علیزاده تشکیل شد و شیوه تارازی در خواندن آوا‌های جمعی ایرانی ابداع کرد. این گروه متشکل از خوانندگان مرد و زن و همچنین نوازندگان مختلفی است که در طی یک دوره آموزش می‌بینند و توسط علیزاده برای اجراهای بعدی آماده می‌شوند.

«**غزل**» گروه موسیقی چند ملیتی است که اعضای آن را کیهان کلهر نوازنده کمانچه ایرانی و شجاعت حسین خان نوازنده سی‌تار، سولایان چاده‌پوری و سوابان کیهان نوازنده طبل از هنر تشکیل می‌دهند. آثار گروه تلفیقی از موسیقی شمال هند و موسیقی سنتی ایرانی است.